



## مهم‌ترین مسئله الهیات محیط زیست، ترسیم رابطه انسان و طبیعت در ادیان است

استاد دانشگاه مذاهب ضمن اشاره به تاریخچه شکل‌گیری الهیات محیط زیست تصریح کرد:

استاد دانشگاه مذاهب ضمن اشاره به تاریخچه شکل‌گیری الهیات محیط زیست تصریح کرد: جایگاه انسان در ادیان و تعریفی که ادیان از انسان ارائه می‌کنند و رابطه‌ای که برای انسان و طبیعت ترسیم می‌کنند، مهم‌ترین بخش الهیات محیط زیست است.

به گزارش خبرنگار ایگنا، نشست «آشنایی با اخلاق محیط زیست» با سخنرانی مسعود شاوورانی، عضو هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی ۱۷ مهر در محل دانشگاه مذاهب برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید:

در ابتدا تاریخچه‌ای درباره اینکه این بحث از کجا شروع شده است و منظور از الهیات محیط زیست چیست، ارائه کنم. با توجه به اینکه در ۲۰۰، ۲۰۰ سال اخیر علم جدید به سمتی رفته که همه چیز را تخصصی کرده و هر چیزی دارد شاخه شاخه می‌شود و زندگی بشر دچار تخصص‌گرایی شده است، از ۶۰ سال پیش در دانشگاه‌ها این مشکل احساس شد وقتی همه چیز را از هم جدا می‌کنیم علم دچار فروکاهش می‌شود و انسان با مطالعه یک رشته نسبت به درک کلیت آن مسئله کمبود دارد لذا در دانشگاه‌های مختلف بحث مطالعات میان‌رشته‌ای مطرح شد، یعنی دو رشته را به هم نزدیک می‌کنند و از نزدیکی آن‌ها یک رشته جدید به وجود می‌آید؛ مثل رشته روانشناسی دین که در آن مسائل مربوط به الهیات با روانشناسی ترکیب شده است. با ترکیب دو رشته درک بشر از آن مسئله کامل‌تر می‌شود.

این اتفاق در الهیات هم افتاد مثلاً ۶۰ سال پیش بحثی در آمریکای جنوبی پیش آمد به نام مبارزات مردم آمریکای مرکزی و جنوبی با آمریکایی‌ها. آنجا بحث الهیات رهایی بخش به وجود آمد یعنی تلفیق الهیات و سیاست و گروه‌های چپ‌گرا که علیه آمریکا مبارزه می‌کردند مبارزات خود را با مفاهیم انجیلی ترکیب کردند و الهیات رهایی بخش به وجود آمد. تفاوت مسیحیت شرقی و غربی در پرداختن به طبیعت

در مورد الهیات محیط زیست باید عرض کنم در سال ۱۹۶۶ بود که شخصی به نام لین وایت با توجه به تخصصش در مطالعاتش به این نتیجه رسید بحران محیط زیست در جهان معاصر ناشی از تأثیر ادیان ابراهیمی است. در مقاله خود به صورت دقیق‌تر این ادعا را مطرح می‌کرد که ما دو نوع مسیحیت داریم: مسیحیت شرقی و مسیحیت غربی. مسیحیت شرقی در یونان و ترکیه امروز بوده است، مسیحیت غربی مسیحیتی است که مرکزش در آلمان امروز بوده است. لین وایت معتقد است از گذشته تفاوتی بنیادین میان این دو نوع مسیحیت وجود داشته است. مسیحیت شرقی گرایش‌های احساسی و عاطفی و نگاه زیباشناسانه به طبیعت داشته ولی مسیحیت غربی نگاه ماشینی و علت و معلولی به طبیعت دارد.

او معتقد است علم جدید که بیشتر در منطقه اروپای غربی شکوفا شده، از همین مسیحیت غربی سرچشمه گرفته است. مثلاً از شخصی به نام بیکن که در حوزه علم بسیار معروف است نقل قول‌هایی مطرح می‌کند و می‌گوید این شخص بر درک تجربی جهان تأکید دارد و اینکه بشر با آزمایش و تجربه روی طبیعت، گیاهان و حیوانات، طبیعت را باید کشف کند. طبیعت مملو از رازهایی است که خداوند به وجود آورده و بشر از راه علم تجربی باید این رازها را کشف کند. این نگاه بعداً ادامه دار و به مرور زمان علم جدید غربی با همین نگاه شکوفا شد.

لین وایت در ادامه مقاله‌اش به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه مسیحیت شرقی و تفاوت آن با مسیحیت غربی اشاره می‌کند. او در ادامه راهکاری را مطرح می‌کند و می‌گوید با توجه به اینکه بحران محیط زیست ناشی از توسعه صنعت و تکنولوژی در جهان است و ادامه این مسیر راه چاره نیست یعنی نمی‌توان با کمک گرفتن از چیزی که مشکل را به وجود آورده است مشکل را حل کرد لذا راه حل بشر تغییر نگرش نسبت به محیط زیست است و راه حل آن ادیان شرقی است. ادیان شرقی طبیعت محور هستند

ادیان شرقی برعکس ادیان غربی که انسان محور هستند، طبیعت محورند. لین وایت مطرح می‌کند بشر برای حل بحران محیط زیست باید به ادیان شرقی مثل آیین بودایی پناه ببرد چون اینها انسان محور نیستند. دین انسان محور همه چیز را برای انسان می‌داند. مثلاً در کتاب مقدس در عهد عتیق در سفر پیدایش ردپاهایی است که نشان می‌دهد خداوند به آدم اختیار داده، جهان را تسخیر و هر طوری از آن استفاده کنند. این انتقادات لین وایت منجر به این شد الهیات دانان دنبال پاسخ بگردند و ببینند انتقادات لین وایت وارد است یا خیر. از اینجا الهیات دانان متوجه نگاه میان رشته‌ای به الهیات و محیط زیست شدند.

مهم ترین مبحث در الهیات محیط زیست در بین موضوعات مختلف بحث جایگاه انسان و رابطه انسان و طبیعت است. چرا این بحث مهم ترین موضوع الهیات محیط زیست است؟ چون دین بر رفتار انسان تأثیر می گذارد و تنها موجود طبیعت که طبیعت را از بین می برد، انسان است. هر موجودی را در طبیعت نگاه کنید در یک چرخه مفید قرار دارد یعنی چرخه ای را اداره می کند و اگر در جایی عدم تعادلی به وجود بیاورد بعد از مدتی حل می شود ولی ناسازگاری و عدم تعادلی که انسان به وجود می آورد هیچ موجودی نمی تواند حل کند. به خاطر همین است که جایگاه انسان در ادیان و تعریفی که ادیان از انسان ارائه می کنند و رابطه ای که برای انسان و طبیعت ترسیم می کنند، مهم ترین بخش الهیات محیط زیست است؛ چون برای فرد دیندار دین مشخص کننده رفتار است.

این مهم ترین موضوع در الهیات محیط زیست است. مباحث دیگر درباره الهیات محیط زیست می تواند شامل مباحث حقوقی باشد، یعنی ادیان چه حقوقی برای موجودات غیر انسان ترسیم کردند مثل حقوق حیوانات. پس بحث حقوق حیوانات یکی دیگر از مباحث الهیات محیط زیست است که بیشتر در فقه به آن پرداخته می شود و در متون فقهی و روایات و احادیث بیشتر فقها این متون را جست و جو می کنند و حقوقی که برای موجودات زنده بیان شده است، استخراج می کنند.

یکی دیگر از مباحث الهیات محیط زیست تعریف جایگاه موجودات زنده در طبیعت است. منظور این است موجودات غیر از انسان شامل انواع گیاهان و جانوران برای چه خلق شدند و فلسفه وجودی خلقت اینها چیست؟ آیا برای خدمت به انسان خلق شدند و ارزش وجودی اینها وابسته به انسان است و نگاه ما به اینها ابزاری است یا نگاه ما به اینها ذاتی است یعنی خداوند اینها را نه به خاطر انسان بلکه به خاطر دلایل دیگری خلق کرده است. پس تعریف جایگاه موجودات زنده در متون دینی هم یکی دیگر از موضوعات الهیات محیط زیست است که آیا این موجودات مستقل خلق شدند و ارزش ذاتی دارند یا وابسته به انسان هستند. تعریف کردن این جایگاه برای موجودات زنده در متون دینی یکی دیگر از موضوعات الهیات محیط زیست است.